

Im Wartezimmer sind schon andere kleine Patienten. Einige schauen sich Bücher an, andere stapeln Bauklötze oder malen ein Bild. Boris aus Lenas Kindergartengruppe ist auch da.

بچه‌های بیمار دیگری هم در اتاق انتظار هستند. بعضی‌ها کتاب ورق می‌زنند، تعدادی با بلوک‌های خانه‌سازی بازی می‌کنند یا نقاشی می‌کشند. بوریس، هم‌کلاسی لِنَا در مهدکودک، هم آنجاست.

„Ich habe Schnupfen“, schnieft er. „Und Fieber.“  
„Teddy ist auch krank“, seufzt Lena. „Der braucht viel Ruhe.“  
Bald ist Lena an der Reihe.

«من آب دماغم میاد.» بوریس دماغش را بالا می‌کشد. «تب هم دارم.» – «خرس پشمالو هم مریضه.» لِنَا آه می‌کشد «باید زیاد استراحت کنه.» خیلی زود نوبت لِنَا می‌شود.



das Schaukelpferd

اسب تابي



die Bücher

کتاب‌ها



die Brille

عينک



die Garderobe

رخت‌آویز



die Bauklötze

بلوک‌های خانه‌سازی



das Poster

پوستر